

ادراکات و تجارب زیسته معلمان از وضعیت آموزش هنر در کلاس‌های چندپایه

(مورد مطالعه: استان چهارمحال و بختیاری)

زهرا صیادی شهرکی^۱، زینب‌السادات اطهری^۲ *

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی، گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

۲. نویسنده مسئول: استادیار گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران رایانامه: zathari@kashanu.ac.ir

• این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه کاشان است.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۶

چکیده:

هدف این مطالعه، شناسایی تجارب زیسته معلمان از وضعیت آموزش هنر در کلاس‌های چندپایه ابتدایی بوده است. در این پژوهش برای گردآوری اطلاعات از روش پدیدارشناسی و ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد. شرکت‌کنندگان در پژوهش، معلمان کلاس‌های چندپایه ابتدایی استان چهارمحال و بختیاری بودند که از آنها ۱۶ نفر به‌عنوان نمونه با روش نمونه‌گیری هدفمند گلوله‌برفی انتخاب شد. تحلیل داده‌ها با روش کوربین و استراوس صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که تعداد کدهای باز استخراج شده (۲۰۹۱) بود که به‌ترتیب در چهار دسته اصلی هنرهای ترسیمی (۲۹/۸۹)، دستی (۲۶/۳۰)، ادبی (۲۴/۶۳) و نمایشی (۱۹/۱۸) دسته‌بندی شد. کد محوری «نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان» دارای بیشترین فراوانی در هنرهای ترسیمی (۱۴/۸۸)، نمایشی (۱۷/۲۲) و ادبی (۲۵/۲۴) و کد محوری «تلفیق هنرهای دستی با درس مختلف» دارای بیشترین فراوانی در هنرهای دستی (۱۴/۳۶) بود. در ارتباط با کمترین کدهای محوری نیز می‌توان به «انجام فعالیت‌های انفرادی» اشاره داشت که دارای کمترین فراوانی در هنرهای دستی (۱/۴۵) و ادبی (۰/۵۸) بود. کدهای محوری «بی‌توجهی معلم به ارزشیابی» و «استفاده از فضای کلاس» دارای کمترین فراوانی در هنرهای نمایشی (۲) و کد محوری «بی‌توجهی به گروه‌بندی» دارای کمترین فراوانی در هنرهای ترسیمی (۰/۹۶) بود. در نهایت یافته‌ها حاکی از این امر است که اهمیت انواع هنرها در نزد معلمان کلاس‌های چندپایه، به یک میزان نبوده است؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد که متصدیان امر با برگزاری آموزش‌های ضمن خدمت، اهمیت آموزش و توجه به انواع هنرها را برای معلمان کلاس‌های چندپایه تبیین نموده و حمایت‌های لازم را در این راستا به عمل آورند.

کلیدواژه‌ها: آموزش هنر، کلاس‌های چندپایه، دوره ابتدایی، معلم ابتدایی، پدیدارشناسی.

استناد به این مقاله:

صیادی شهرکی، زهرا؛ اطهری، زینب‌السادات. (۱۴۰۳). ادراکات و تجارب زیسته معلمان از وضعیت آموزش هنر در کلاس‌های چندپایه (مورد مطالعه: استان چهارمحال و بختیاری). اندیشه‌های نوین تربیتی، ۲۰(۳): ۱۸۵-۲۰۳. doi: 10.22051/jontoe.2023.43677.3781

مقدمه

شرایط متنوعی در آموزش و پرورش هر کشور در حوزهٔ تعلیم و تربیت وجود دارد که از یک‌دیگر متفاوت بوده و برنامه‌ریزان به ویژه آموزگاران باید کار یاددهی و یادگیری را به اقتضای شرایط پیش ببرند. یکی از این شرایط ویژه، کلاس‌های چندپایه^۱ است (یدالهی و همکاران به نقل از مکوسانا و کاپیسا، ۱۳۹۸، ص. ۱۳۰). کلاس‌های چندپایه کلاس‌هایی هستند که در آن دانش‌آموزان دو یا چندپایه توسط یک معلم به طور همزمان در یک کلاس آموزش داده می‌شوند (حسن‌زاده، ۱۴۰۰، ص. ۲) و دانش‌آموزان کلاس‌های درس چندپایه را دانش‌آموزان روستایی یا دانش‌آموزان حومهٔ شهرهای کوچک تشکیل می‌دهند (محمدباقرلو و همکاران، ۱۴۰۲، ص. ۱).

این کلاس‌ها با هدف جلوگیری از ترک تحصیل دانش‌آموزان در مناطق روستایی کم‌جمعیت، استفادهٔ بهینه از منابع محدود، فراهم کردن دورهٔ کامل آموزش ابتدایی، تداوم خدمات آموزشی در روستاهای کوچک، بهبود کیفیت و سودمندی آموزش تشکیل می‌شود (ناصری‌پلنگرد، ۱۳۹۷، ص. ۴؛ مرتضوی‌زاده، ۱۳۸۹، ص. ۱۴). بنابراین، اغلب مدارس چندپایه در مناطق دورافتاده و صعب‌العبور واقع شده‌اند که ممکن است از مراکز آموزشی دور باشند و حمایت‌های آموزشی کمی دریافت کنند (چرس بری، ۲۰۰۰، ص. ۵).

از سوی دیگر، وزارت آموزش و پرورش به‌عنوان مهم‌ترین نهاد تعلیم و تربیت رسمی عمومی، متولی فرایند تعلیم و تربیت در همهٔ ساحت‌های تعلیم و تربیت شامل (اعتقادی، عبادی و اخلاقی، زیستی و بدنی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و حرفه‌ای، علمی و فناورانه و زیباشناختی و هنری)، قوام‌بخش فرهنگ عمومی با همکاری نهادها، خانواده‌ها و سازمان‌های دولتی و غیردولتی است (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ص. ۲۰). هر یک از این ساحت‌های شش‌گانه ضمن دارا بودن قلمرو، شامل اهداف و اصول بارزی نیز می‌باشند که همگی، بر یک مسئله واحد تأکید می‌کنند که همانا نگاه چندبعدی به مخاطب تربیت (انسان) و پرهیز از نگاه تک‌بعدی به اوست (بیطرفان و همکاران، ۱۳۹۹، ص. ۹۷). بنابراین مطابق با سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به‌عنوان سندی که مبنای همهٔ برنامه‌ها و سیاست‌های تعریف شده در نظام تعلیم و تربیت است به مقولهٔ هنر اهمیت داده شده است به گونه‌ای که یکی از ساحت‌های مندرج در فلسفهٔ تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران به تعلیم و تربیت «زیباشناختی و هنری» اختصاص دارد.

همچنین جایگاه هنر برای کودکان به لحاظ اهمیت آن در تعلیم و تربیت و نیز اثرگذاری آن در رشد فکری و خلاقیت آنان، مهم و ضروری است (مقدادی، ۱۳۹۵، ص. ۱۰۹). تجربهٔ یادگیری هنر در دانش‌آموز، باعث ایجاد قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی می‌شود که بر روابط او با همکلاسی‌ها، معلمان، خانواده و دیگران تأثیر می‌گذارد. دانش‌آموزان در طول مشارکت و همکاری در تجربهٔ یادگیری هنر می‌آموزند که نظرات دیگران را در نظر بگیرند، به دیدگاه‌های مختلف احترام بگذارند، سازش کنند، به دیگران گوش فرادهند و مهارت‌های جمعی خود را در خدمت یک دیدگاه هنری جامع‌تر تحت کنترل درآورند (دیزی، ۲۰۰۲، ص. ۱۵۹).

از طرفی مطابق با اصل بیست و ششم از اصول حاکم بر نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران تحت عنوان توجه به هنر، باید به آموزش‌های هنری نظیر نقاشی، خط، نگارش، نمایش، قصه، سرود و آهنگ‌های مناسب، توجه به هنرهای بومی هر منطقه، هنرهای سنتی و دستی و استفاده از کارگاه‌ها و نمایشگاه‌های هنری سیار برای رشد و پرورش استعداد هنری عشایر و روستائیان تأکید گردد (حکیم‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۰۱).

دیدگاه‌های مختلفی در ارتباط با دسته‌بندی انواع هنرها ذکر شده است که با تجمیع آنها می‌توان به هنرهای نمایشی، ترسیمی، دستی و ادبی اشاره کرد. هنرهای نمایشی، آن دسته از هنرهایی است که عناصری از تئاتر در آن مشاهده شود. بنابراین هر قدر این عناصر بیشتر یافت شوند (هر چند به صورت ابتدایی) آن هنر بیشتر نمایشی است (وفاداری و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۶۷). یکی دیگر از روش‌های مشارکت با کودکان، هنرهای ترسیمی است و کودکان و نوجوانان می‌توانند از روش‌های متنوع هنرهای ترسیمی بهره‌گیرند که از جملهٔ این روش‌ها می‌توان به «طراحی و نقاشی فردی و گروهی» اشاره کرد (شهاب‌زاده، ۱۳۹۴، ص. ۵۰). در ارتباط با هنرهای دستی هدف

اصلی این دسته از هنرها، تمرین خلاقیت است و لازمه دستیابی به این هدف، جمع‌آوری وسایل لازم برای انجام فعالیت‌های مربوط به هنرهای دستی است (نبوی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱) و در نهایت هنرهای ادبی گونه‌ای از هنر است که به وسیله واژگان بر کاغذ نقش می‌بندد و معنا و مفهوم، از طریق خواندن و دیدن واژه در ذهن مصور می‌گردد که این تصاویر با حافظه هنری و ادبی خواننده آمیخته و در نهایت منجر به لذت هنری می‌شود (عسگرنژاد و گذشتی، ۱۳۹۴، ص. ۲۲۳).

با توجه به مطالب پیشگفته و عنایت به قابلیت‌های کلاس‌های چندپایه به دلیل برگزاری این کلاس‌ها در مناطق سرسبز، دانش‌آموزان می‌توانند در این بستر رشد شناختی مناسبی داشته باشند چرا که بسیاری از کلاس‌های چندپایه در مناطق کوهستانی و دورافتاده واقع شده‌اند و درکنار طبیعت و گاهی نیز در دل طبیعت برگزار می‌شود که چنین موقعیتی به معلمان این فرصت را می‌دهد، شرایطی را فراهم کند تا دانش‌آموزان با استفاده از بهترین مکان (طبیعت) قدرت تخیل و تفکر خود را در فعالیت‌های هنری به کار گیرند و تقویت کنند. حال با آنکه تحقیقات متعددی در مورد کلاس‌های چندپایه و هنر انجام شده، اما تا آنجا که این مسئله مورد جست‌وجو و بررسی‌های متعدد قرار گرفته است؛ موضوعی که در آن به بررسی «آموزش هنر در کلاس‌های چندپایه» پرداخته باشد، یافت نشد. بنابراین مطابق با نتایج سازنده و مؤثری که هنر می‌تواند در شئون مختلف زندگی دانش‌آموزان به خصوص دانش‌آموزان مدارس چندپایه داشته باشد، پژوهشگران در صدد برآمدن تا میزان توجه به ساحت هنری را در مدارس چند پایه مورد بررسی قرار دهند؛ زیرا با بررسی دقیق، نقش کلیدی و راهبردی هنر به عنوان یکی از ارزش‌های والای انسانی و ابزاری برای دستیابی به دیگر اهداف سند مخصوصاً در مدارس چندپایه، روشن می‌شود. به طور کلی این پژوهش در جهت پاسخ دادن به این سؤال اساسی انجام گرفته که وضعیت آموزش هنر در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان چگونه است؟

با این وجود، بررسی ادبیات و سوابق موضوع مورد مطالعه، یکی از مراحل مهم در هر پژوهش علمی است که موجب جلوگیری از دوباره‌کاری می‌شود و پژوهشگر بر موضوع مورد نظر، اشراف پیدا می‌کند. بنابراین در جدول‌های (۱) و (۲)، مجموعه پژوهش‌های داخلی و خارجی که به نوعی با پژوهش حاضر مرتبط می‌باشد، ارائه شده است.

جدول شماره ۱. پژوهش‌ها و مطالعات داخل کشور

پژوهشگر/ پژوهشگران	سال	عنوان پژوهش	نوع پژوهش	یافته‌های پژوهش
نوری و فارسی	۱۳۹۵	ارزشیابی برنامه درسی هنر دوره ابتدایی	کیفی	مبحث هنر در اسناد برنامه درسی هنر و برنامه هفتگی مدرسه از جایگاهی مستقل برخوردار است، اما در عمل، زمان درس هنر را به آموزش دیگر دروس اختصاص می‌دهند و کاردستی و نقاشی تنها حوزه‌های محتوایی هستند که اغلب با روش توضیحی در کلاس درس هنر تدریس می‌شوند و در ارزشیابی از فعالیت‌های هنری، از شیوه‌ها و ابزارهای گوناگون و متنوع سنجش استفاده نمی‌شود.
آهنگری آهنگرکلایی و همکاران	۱۳۹۵	بررسی مقایسه‌ای آموزش هنر دوره ابتدایی در ایران و ژاپن	کمی	توجه ویژه به تربیت هنری در سند تحول بنیادین در ایران، موجب ارتقا جایگاه هنر در آموزش و پرورش شده این در حالی است که در کشور ژاپن کشور ژاپن از دوره ابتدایی هنرهای تجسمی و نمایشی را در آموزش هنر مدنظر قرار داده است و توجه به فرهنگ ملی و میراث آن، محیط، فولکور و آموزش از طریق موزه در برنامه درسی ملی هنر این کشور وجود دارد.
شاه‌نعمتی و همکاران	۱۳۹۶	بررسی روش‌های تدریس هنر به منظور ارائه الگوی مطلوب در دوره ابتدایی ایران	کیفی	استفاده از روش‌های جدید تدریس یا خلق فرصت‌های یادگیری در حقیقت خلق برنامه درسی است و از طریق روش‌های تدریس، محتوا و فعالیت‌های برنامه درسی هنر امکان کاربرد رهیافت‌های بومی و جهانی برنامه درسی هنر فراهم می‌گردد.

کربمی و غفوری	۱۳۹۷	بررسی فرصت‌ها و محدودیت‌های کلاس‌های چندپایه براساس تجارب زیسته معلمان کلاس‌های چندپایه	کیفی	تمام مزایای اعلام شده از جمله امکان استفاده دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر و پایین‌تر از تدریس دیگر پایه‌ها، تثبیت یادگیری از طریق همیاری معلم، توسعه مهارت‌های ارتباطی و ... در تمام نواحی مشاهده شده و محدودیت‌هایی مانند مشکلات کنترل کلاس و کمبود زمان برای تدریس نیز عام و مورد تأیید تحقیقات در تمام دنیا بوده است.
مهرفروزی و محمدی	۱۴۰۰	تأثیر آموزش هنر در مدارس دوره ابتدایی	کیفی	رشد حافظه احساسی و حس زیباشناختی و پرورش تصورات عینی و خلاق دانش‌آموزان یکی از مسائل ضروری مدارس کنونی است و درس هنر، اهمیت زیادی در پرورش این ویژگی‌ها دارد به گونه‌ای که هنر در زمینه تعلیم و تربیت و کشف استعدادها، خلاق دانش‌آموزان نقش حیاتی داشته و قادر است یک انسان کوچک را به سوی جهان نوآوری‌ها رهنمون سازد.
بهلکه و همکاران	۱۴۰۰	تحلیل اهمیت اثربخشی روش‌های تدریس فعال بر کلاس‌های چندپایه	کیفی	روش‌های تدریس، اثربخشی فراوانی در کلاس‌های چندپایه داشته‌اند و باعث می‌شود که با وجود یکسان نبودن جو کلاسی، محیطی برابر برای دانش‌آموزان فراهم شده و همچنین باعث رشد اخلاقی، افزایش اعتماد به نفس، پرورش تجربه‌گرایی و عمل، رشد و شکوفایی خلاقیت، رشد و پرورش تفکر و در نهایت باعث پرورش مهارت‌های ارتباطی و تعامل اجتماعی می‌شود.
خاضع و همکاران	۱۴۰۰	ارائه راهبردهای نوین تدریس در کلاس‌های چندپایه	کیفی	برای افزایش فرایند یاددهی - یادگیری در کلاس‌های چندپایه می‌توان از راهبردهای: روش تدریس مبتنی بر یادیارها، مبتنی بر خلاقیت، مباحثه‌ای، بارش فکری، تفحص گروهی، حل مسئله، همراه با بازی و سکوسازی استفاده نمود. همچنین با تأکید بر اصول آموزش و یادگیری و مجهز بودن معلم به مهارت‌های تدریس، می‌توان فرایند تدریس و یاددهی - یادگیری را در کلاس‌های چندپایه بهبود بخشید.
شعبانی شلوه‌سفلی	۱۴۰۰	نقش هنر در آموزش ابتدایی	کیفی	آشنایی با رویکردهای نوین آموزش هنر و طراحی الگوهای تدریس برتر برای متصدیان امور آموزشی و پرورشی اهمیتی دوچندان دارد و در برنامه درسی هنر از معلمان انتظار می‌رود که با در نظر گرفتن ساعات آزاد، برنامه‌های خلاقانه دانش‌آموزان را مورد تشویق قرار دهند.
روبین‌تن و همکاران	۱۴۰۱	اعتبارسنجی قصه و قصه‌گویی با تأکید بر اهداف برنامه درسی دوره پیش دبستانی استان کرمانشاه	کمی - کیفی	برنامه درسی قصه و قصه‌گویی می‌تواند نقش بسزایی در برنامه درسی داشته باشد و دانش‌آموزان را با انگیزه‌تر کند و اشتیاق به تحصیل در دوره‌های رسمی و بالاتر را در فراگیران برانگیزاند.
حسینی و پروین	۱۴۰۲	بررسی دیدگاه معلمان نسبت به تربیت هنری با تأکید بر آموزش موسیقی در مدارس دوره ابتدایی شهرستان مریوان	کیفی	میزان نگرش معلمان مثبت و آگاهی معلمان در سطح متوسط بوده و از دیدگاه معلمان بزرگترین مشکل تربیت هنری و آموزش موسیقی دانش‌آموزان فقدان معلمان ماهر و آموزش دیده می‌باشد و تفاوتی بین میزان دانش و نگرش معلمان از نظر جنسیت وجود نداشت.

جدول شماره ۲. پژوهش‌ها و مطالعات خارج از کشور

پژوهشگر / پژوهشگران	سال	عنوان پژوهش	نوع پژوهش	یافته‌های پژوهش
بایراکتار و اوکوران	۲۰۱۲	بهبود نوشتار دانش‌آموزان از طریق نمایش خلاق	کیفی	نمایش نه تنها به افراد کمک می‌کند تا مهارت‌های ارتباطی خود را افزایش دهند، بلکه به آنها کمک می‌کند تا درک و مهارت‌های تفکر خلاق خود را نیز توسعه دهند که بهتر است معلمان از داستان‌های شناخته شده فراتر رفته و به دانش‌آموزان اجازه دهند تا با داستان‌های ناتمام برای تفکر خلاقانه تعامل داشته باشند و به بهبود مهارت‌های نوشتاری خود کمک کنند.
هاینگورا	۲۰۱۴	بررسی آموزش چندپایه در سه مدرسه ابتدایی در منطقه کاوانگو، نامبیا	کیفی	مواد آموزشی و یادگیری مناسب، مانند مطالب خودآموز، باید در اختیار مدرسی قرار گیرد که تدریس چندپایه را ارائه می‌دهند. معلمان متعددی در کلاس‌های چندپایه وجود دارند که هیچ آموزش رسمی دریافت نکرده‌اند که این معلمان نیاز به حمایت فوری و مداوم دارند.



آموزش چندپایه با چالش‌هایی از جمله فقدان خط مشی در مورد تدریس چندپایه، کمبود حمایت از سوی مقامات ریاست آموزش ابتدایی، محدودیت زمانی و کمبود دانش محتوا مواجه است که می‌توان از راهبردهایی مانند تشویق معلمان در راستای هدف، تفویض اختیار، کار تیمی، نظارت بر کار آنها و ارائه بازخورد استفاده کرد.	کیفی	بررسی شیوه‌های رهبری آموزشی در چارچوب تدریس چندپایه: تجربیات مدیران و معلمان	۲۰۱۶	نلیسیوه‌گاسا
داده‌های به دست آمده در سه موضوع اصلی گروه‌بندی شدند: مشکلات پیش روی کلاس‌های چندپایه، پیشنهادات در رابطه با مسائل کلاس‌های چندپایه، نمونه‌های تمرین مؤثر در کلاس‌های چندپایه و همچنین مسائلی مانند انتظارات بالا از دانش‌آموز، کمبود وقت، مشکل در رسیدن به اهداف، کمبود تحصیلات، شرایط جسمانی و مشکلات زبانی نیز، از پژوهش حاصل شد.	کیفی	نظرات معلمان کلاس چندپایه در مورد شیوه‌های آموزشی کلاس چندپایه (تحلیل چند مورد: مثال هلند-ترکیه)	۲۰۱۸	آنجین
یافته‌های پژوهش نشان داد که معلمان شرکت‌کننده در کلاس‌های چندپایه آموزش کافی نداشتند، با کمبود حمایت تیم‌های پشتیبانی مدرسه خود مواجه هستند، مواد آموزشی لازم برای تدریس در کلاس چندپایه وجود ندارد و معلمان از روش‌های قدیمی در فرایند تدریس استفاده می‌کنند.	کمی	بررسی تأثیر رهبری آموزشی بر تدریس چندپایه در مدارس ابتدایی کشورها	۲۰۱۹	لیندا و همکاران
آموزش کلاس‌های چندپایه با استفاده از فعالیت‌های یادگیری مشارکتی، نقشی حیاتی در فرایند یاددهی-یادگیری دارد که توصیه می‌شود معلم این دسته فعالیت‌ها را در بین دانش‌آموزان معرفی کند. همچنین مدرسه باید کارگاه‌های آموزشی لازم را در مورد راهبردهای تدریس در اداره کلاس‌های چندپایه برگزار کند.	کیفی	مدیریت تدریس چندپایه: پیامد آموزشی برای شایستگی معلمان	۲۰۲۰	بوآ و مارتین
راهبردهای کلاس درس معلمان چند پایه شامل: مدیریت کلاس درس، یادگیری مشارکتی، استفاده از آموزش متمایز، اتصال آموزش به موقعیت‌های زندگی واقعی، ادغام فناوری در تدریس و انعطاف‌پذیری معلم است.	کیفی	استراتژی‌های کلاس درس معلمان چندپایه	۲۰۲۱	ناپاران و آلینسوغ
چالش‌های تجربه شده توسط معلمان شامل: نداشتن آمادگی در آموزش چندپایه، کمک هزینه پایین چندپایه، تجربه استرس، مشکلات مدیریت کلاس، کمبود منابع، حجم کار و عدم حمایت ذی‌نفعان است ولی معلمان توانستند با استفاده از راهبردهای مقابله‌ای مانند مدیریت زمان، برنامه‌های در حال توسعه و تحقیقات، عملکرد مثبتی داشته باشند.	کیفی	چالش‌ها و راهبردهای مقابله‌ای معلمان چندپایه	۲۰۲۱	ناپاران و کاستاندا
تدریس چندپایه، در صورت استفاده صحیح و مؤثر، می‌تواند نتایج مثبتی به همراه داشته باشد و حمایت ناکافی از سوی معاونت آموزش ابتدایی، حجم کار سنگین معلمان و کمبود کادر آموزشی از جمله مشکلاتی است که معلمان چندپایه مواجه هستند و افزون بر آن کمبود مداخله از سوی اداره آموزش پایه، به شدت بر ارائه برنامه درسی مؤثر در مدارس چندپایه تأثیر می‌گذارد.	کیفی	مدیریت مشکلات مرتبط با کلاس‌های چندپایه در مدارس ابتدایی مویومالانگا	۲۰۲۱	نتومبلا
دیدگاه شرکت‌کنندگان در مورد تدریس چندپایه، رضایت‌بخش و همراه با یادگیری است. این مطالعه پیشنهاد می‌کند که برنامه کمک به معلمان چندپایه، ارائه سمینارها در مورد مکانیسم‌های تدریس چندپایه، استفاده از مدل باندنگام در تدریس و انجام مطالعات برای آزمایش اثربخشی مدل توسعه‌یافته، برای کمک به معلمان مؤثر است.	کیفی	باندنگام ^۱ : یک الگوی آموزشی چندپایه‌ای بومی	۲۰۲۲	ولاسکو و همکاران
رشد فعلی معلمان در مدارس چندپایه فاقد دانش مورد نیاز است و معلمان تک‌پایه فاقد تخصص کافی برای بهبود کیفیت تدریس در کلاس‌های چندپایه هستند.	کیفی	آموزش معلمان برای تدریس تک‌پایه و رد صلاحیت تدریس چندپایه برای تحصیلات روستایی	۲۰۲۲	مپهلا و ماکنا

1. BADANGAM:

شروع با ذهن یادگیرندگان، فعال کردن علائق از طریق فعالیت‌های متنوع، طراحی با ذهن فراگیران، پایبندی به اصول، یادگیری شبکه‌ای از طریق فعالیت‌های متنوع، رفتن به چندوجهی، پرسیدن سؤال و استفاده از ارزیابی متنوع.

روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش، به لحاظ هدف کاربردی است و در زمره پژوهش‌های کیفی^۱ قرار دارد. گردآوری اطلاعات در پژوهش کیفی حاضر با استفاده از روش پدیدارشناسی^۲ انجام گرفت و با توجه به موضوع پژوهش برای گردآوری داده‌ها از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته^۳ (عمیق) استفاده شد و سؤالات و راهنمای مصاحبه نیز، با بررسی و مطالعه متون و نظر متخصصین آگاه به موضوع، طراحی و تنظیم گردید. جامعه پژوهش، ۷۳۲ نفر از معلمان کلاس‌های چندپایه در مناطق ۱۷گانه استان چهارمحال و بختیاری در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود که از این میان مناطق اردل، سامان، کوهرنگ، کیار، عشایر، لردگان و میانکوه به‌عنوان نمونه انتخاب شد و برای نمونه‌گیری معلمان نیز، از روش نمونه‌گیری هدفمند^۴ و از نوع گلوله‌برفی^۵ یا زنجیره‌ای^۶ استفاده شد.

در نمونه‌گیری پژوهش حاضر، محقق پس از مصاحبه با یکی از معلمان کلاس‌های چندپایه از او برای معرفی معلم دیگر که بتواند در این پژوهش اطلاعات مناسبی در اختیار بگذارد؛ کمک گرفت و به همین ترتیب این روند ادامه پیدا کرد تا این‌که با ۱۶ نفر از آموزگاران کلاس‌های چندپایه مصاحبه به عمل آمد و پس از گفت‌وگو با نفر سیزدهم، اشباع نظری^۷ حاصل شد به گونه‌ای که فرایند مصاحبه جز تکرار داده‌های حاصل شده، نتیجه‌ای دربرنداشت و به منظور اطمینان از اشباع، با ۳ نفر دیگر از آموزگاران مصاحبه ادامه پیدا کرد. به منظور تضمین استحکام و صحت پژوهش، از چهار معیار موثق بودن^۸ تحقیقات کیفی گوبا و لینکلن (۱۹۸۹) استفاده شد.

برای تضمین قابلیت اعتبار^۹ یافته‌ها، مصاحبه‌ها پس از پیاده‌سازی برای مصاحبه‌شوندگان ارسال شد تا درستی یافته‌ها توسط ایشان تأیید و در صورت لزوم به تکمیل و تصحیح آنها اقدام شود. برای تضمین قابلیت تصدیق^{۱۰} نیز پژوهشگران تلاش کردند تا از هر گونه تعصب و جهت‌گیری و نیز دخالت دادن پیش‌فرض‌ها در روند گردآوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها خودداری کنند. همچنین برای تضمین قابلیت اطمینان^{۱۱}، این پژوهش به صورت گروهی و تحت نظارت و راهنمایی صاحب‌نظران انجام گرفته است و به منظور افزایش قابلیت انتقال^{۱۲} به موقعیت‌ها و گروه‌های مشابه نیز از شرکت‌کنندگان متعلق به مدرسه‌ها، رشته‌ها و مدارک تحصیلی گوناگون و نیز هر دو جنس استفاده شده است.

به منظور تجزیه و تحلیل^{۱۳} داده‌های حاصل از مصاحبه با آموزگاران، از روش کیفی-استقرایی تحلیل موضوعی یا تماتیک^{۱۴} استفاده شد که از فرایند سه مرحله‌ای کدگذاری باز^{۱۵}، کدگذاری محوری^{۱۶} و کدگذاری انتخابی^{۱۷} تشکیل شده است. در واقع طی فرایند کدگذاری، داده‌ها خرد و مفهوم‌پردازی می‌شود و دوباره با روش‌های جدید به یکدیگر متصل می‌گردد (کوربین و استراوس، ۱۹۹۰). در ادامه، فرایند یادشده تشریح می‌شود:

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

1. Qualitative
2. Phenomenology
3. Semi- Structured Interview
4. Purposeful Sampling
5. snowball
6. chain
7. Theoretical saturation
8. Truth Worthiness
9. Credibility
10. Confirmability
11. Dependability
12. Transferability
13. Analysis
14. Thematic analysis
15. Open Coding
16. Axial Coding
17. Selective Coding

الف) کدگذاری باز: پس از پیاده‌سازی تمامی جملات حاصل از مصاحبه با معلمان کلاس‌های چندپایه، گفته‌های اساسی متن، برجسته و داده‌های نامربوط و مطالب حاشیه‌ای، نادیده گرفته شد تا گفته‌های تازه و غیرتکراری از دل متن پیاده شده، استخراج گردد. پس از اطمینان از مراحل قبلی، به هر کدام از داده‌ها (گفته‌های اساسی متن)، عنوان مرتبط و مناسبی اختصاص یافت که نشانگر آن پدیده باشد. در ادامه تمامی مفاهیم به‌دست آمده، با دقت مورد بررسی و ملاحظه قرار گرفت تا کدهای تکراری حذف و یا بعضی از کدهایی که هم‌پوشانی دارند، با یکدیگر ادغام شوند. بدین ترتیب، در مرحله اول تعداد کدهای باز به‌دست آمده ۲۷۴۸ عدد بود. در مرحله بعد، حذف و ادغام تعدادی از کدهای حاصل شده صورت گرفت و ۲۳۴۷ کد باقی ماند و در نهایت با احتساب همپوشانی، تعدادی دیگر از کدها ادغام شد و ۲۰۹۱ کد باقی ماند.

ب) کدگذاری محوری: در این کدگذاری، چند مورد از کدهای حاصل از مرحله قبل که با یکدیگر مرتبط بودند، در محور کلی‌تر قرار گرفتند و برای آنها عنوانی مناسب مشخص شد که دربرگیرنده تمام کدهای آن دسته باشد. بدین ترتیب، در مرحله اول تعداد کدهای محوری ۷۴ عدد بود که در اثر حذف و ادغام تعدادی دیگر از کدهای به‌دست آمده، ۵۹ کد باقی ماند و در نهایت تعداد کدهای محوری حاصل شده به ۴۶ عدد رسید.

پ) کدگذاری گزینشی: در طی عمل کدگذاری انتخابی، ابتدا به یکپارچه‌سازی و خالص نمودن طبقات اقدام گردید و هر کدام از مقوله‌های محوری در دسته‌بندی کلی‌تر کدهای گزینشی قرار گرفتند. کدهای گزینشی به‌دست آمده در چهار هسته اصلی به نام هنرهای ترسیمی، هنرهای نمایشی، هنرهای دستی و هنرهای ادبی در اختیار متخصصان قرار گرفت تا مورد بازبینی ایشان قرار گیرد که در نهایت با تأیید کدهای به‌دست آمده، محققان با استفاده از نرم‌افزار اکسل^۱ به استخراج آمار توصیفی داده‌ها، فراوانی، درصد و نمودارهای مربوطه پرداختند.

گفتنی است، برای گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه، ملاحظه‌های اخلاقی از قبیل: رعایت حریم شخصی افراد، وقت‌شناسی مصاحبه‌کننده، رضایت آگاهانه افراد برای شرکت در مصاحبه، برقراری تماس از طرف مصاحبه‌کننده و اخذ اجازه برای ضبط کردن صدای مصاحبه‌شوندگان نیز رعایت شد.

یافته‌های پژوهش

در این قسمت، با توجه به مصاحبه‌های انجام شده، به بررسی سؤالات پژوهش پرداخته می‌شود:

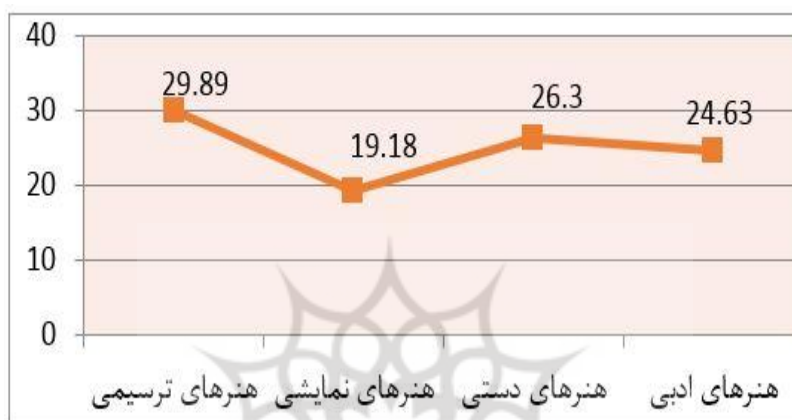
وضعیت آموزش هنر در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان چگونه است؟

مطابق با آمار استخراج شده از وضعیت هنرهای مختلف (ترسیمی، دستی، ادبی و نمایشی) و با بررسی فراوانی کل هر یک در نتیجه مصاحبه با آموزگاران کلاس‌های چندپایه، می‌توان استنباط نمود که اهمیت انواع هنرها در نزد معلمان کلاس‌های چندپایه، به یک میزان نمی‌باشد، به طوری که بیشترین میزان فراوانی کل مربوط به هنرهای ترسیمی با فراوانی ۶۲۵ و کمترین میزان فراوانی کل مربوط به هنرهای نمایشی با فراوانی ۴۰۱ می‌باشد. از طرفی دیگر با بررسی فراوانی و درصد فراوانی کدهای محوری به‌دست آمده، توجه مطلوب به مقوله «نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس» در ارتباط با هنرهای ترسیمی، نمایشی و ادبی مشخص می‌شود؛ چرا که بیشترین میزان فراوانی هنرهای اشاره شده مربوط به این مقوله است و در هنرهای ادبی این میزان فراوانی به بالاترین حد خود یعنی ۲۵/۲۴ می‌رسد. همچنین مقوله «انجام فعالیت‌های انفرادی» در ارتباط با هنرهای ترسیمی، دستی و ادبی دارای کمترین میزان فراوانی می‌باشد، به طوری که در هنرهای ادبی این میزان فراوانی به پایین‌ترین حد خود یعنی ۰/۵۸ می‌رسد.

در ادامه درصد فراوانی آموزش هنرهای مختلف در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان در جدول شماره (۳) و نمودار شماره (۱) آمده است.

جدول شماره ۳. درصد فراوانی آموزش هنرهای مختلف در کلاس‌های چندپایه

انواع فعالیت‌های هنری	فراوانی	درصد
هنرهای ترسیمی	۶۲۵	۲۹/۸۹
هنرهای نمایشی	۴۰۱	۱۹/۱۸
هنرهای دستی	۵۵۰	۲۶/۳۰
هنرهای ادبی	۵۱۵	۲۴/۶۳
جمع	۲۰۹۱	۱۰۰/۰



نمودار شماره ۱. درصد فراوانی آموزش هنرهای مختلف در کلاس‌های چندپایه

وضعیت آموزش هنرهای ترسیمی در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان چگونه است؟ برای بررسی وضعیت آموزش هنرهای ترسیمی در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان، داده‌های مصاحبه مورد تحلیل قرار گرفت. از مجموع ۴۶ کد محوری حاصل شده تعداد ۱۱ مورد آن مربوط به هنرهای ترسیمی می‌باشد که دارای ۴۵ کد باز و ۶۲۵ فراوانی بوده است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده، مقوله «نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس هنرهای ترسیمی» بیشترین درصد فراوانی ۱۴/۸۸ را به خود اختصاص داده است. همچنین، بیشترین میزان فراوانی مقوله یادشده مربوط به زیرمقوله رنگ‌آمیزی و ترسیم نقاشی مرتبط با موضوعات کتاب توسط دانش‌آموزان در جریان تدریس معلم، با درصد فراوانی ۸/۱۶ و کمترین فراوانی آن مربوط به زیرمقوله راهنمایی و هدایت دانش‌آموزان توسط معلم در زمینه خوشنویسی و طراحی با درصد فراوانی ۰/۶۴ است. نزدیک‌ترین کدهای محوری به مقوله «نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس هنرهای ترسیمی» مربوط به مقوله‌های «تلفیق هنرهای ترسیمی با دروس مختلف» با درصد فراوانی ۱۲/۸ و «توجه و علاقه معلم و دانش‌آموزان به تحقق اهداف هنرهای ترسیمی و دریافت بازخورد» با درصد فراوانی ۱۲/۴۸ است. در مقابل کمترین میزان فراوانی مربوط به مقوله «بی‌توجهی به گروه‌بندی در آموزش هنرهای ترسیمی» با درصد فراوانی ۰/۹۶ و نزدیک‌ترین کد محوری به مقوله مذکور مربوط به مقوله «حضور دانش‌آموزان در فضای کلاس به منظور اجرای هنرهای ترسیمی» با درصد فراوانی ۲/۰۸ می‌باشد. نمونه‌هایی از شواهد گفتاری آموزگاران شرکت‌کننده در ارتباط با هنرهای ترسیمی در جدول شماره ۴ آمده است.

جدول شماره ۴. شواهد گفتاری آموزگاران در ارتباط با هنرهای ترسیمی

شواهد گفتاری	کدهای محوری
آموزگار کد ۱۰: «من سعی کردم که در فرایند تدریس به خط دانش‌آموزان توجه ویژه داشته باشم چون اعتقاد دارم که اگر خوشنویسی را از همان ابتدا با دانش‌آموزان کار کنیم، از لحاظ بحث خوشنویسی مشکلی نخواهند داشت.»	توجه و علاقه معلم و دانش‌آموزان به تحقق اهداف هنرهای ترسیمی و دریافت بازخورد
آموزگار کد ۲: «به عنوان یک فعالیت از دانش‌آموزان خواستم تا در ابتدا اشکال هندسی را نقاشی و رنگ‌آمیزی کنند، سپس برش بزنند و با ذهن خلاق خود شکل‌ها را به گونه‌ای در کنار یکدیگر بچینند که یک تصویر زیبا ایجاد شود.»	تلفیق هنرهای ترسیمی با درس مختلف
آموزگار کد ۸: «در برخی مواقع در دفتر دانش‌آموزان سرمشق می‌نوشتیم تا در منزل مطابق با سرمشق داده شده، تمرین خوشنویسی داشته باشند و یا اینکه موضوعاتی را در کلاس مشخص می‌کردم تا در منزل نقاشی آن را ترسیم و سپس رنگ‌آمیزی کنند.»	ارائه تکالیف مرتبط با هنرهای ترسیمی
آموزگار کد ۱۰: «وسایلی که دانش‌آموزان برای ترسیم نقاشی، رنگ‌آمیزی و خوشنویسی احتیاج داشتند، در مدرسه موجود نبود و می‌توانم با جرئت بگویم که امکانات مدرسه در این خصوص، در حد صفر بود و وسایل مورد نیاز را خودم برای آنها تهیه می‌کردم.»	وضعیت امکانات موجود در مدرسه برای اجرای هنرهای ترسیمی
آموزگار کد ۱۶: «در کلاس چندپایه به نظر من دانش‌آموزان باید محور کلاس باشند نه معلم چون در این صورت مباحث درس مختلف را بهتر یاد می‌گیرند و من سعی می‌کنم که در کلاس در بیشتر اوقات از کمک و مشارکت دانش‌آموزان استفاده کنم و به نوعی مبنای کلاس من بر اساس دانش‌آموزمحوری است.»	* نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس هنرهای ترسیمی
آموزگار کد ۱۵: «به طور میانگین در طول یک هفته سه ساعت به هنرهای ترسیمی اختصاص داده می‌شد چون دانش‌آموزان در بیشتر رنگ‌های هنر به ترسیم نقاشی و رنگ‌آمیزی مشغول بودند.»	زمان اختصاص‌یافته برای انجام فعالیت‌های مرتبط با هنرهای ترسیمی
آموزگار کد ۱۱: «فضای کلاس نسبت به تعداد دانش‌آموزان کوچک بود و نمی‌شد که از این فضای کوچک برای انجام برخی از فعالیت‌های مرتبط با هنرهای ترسیمی استفاده کرد، به همین خاطر در برخی مواقع دانش‌آموزان به یکی دیگر از کلاس‌های مدرسه می‌رفتند و در آنجا مشغول انجام فعالیت می‌شدند.»	استفاده از فضای خارج از کلاس به منظور اجرای هنرهای ترسیمی
آموزگار کد ۱: «فضای کلاس من به گونه‌ای بود که دانش‌آموزان بتوانند به راحتی فعالیت‌های مرتبط با هنرهای ترسیمی را پیاده کنند و مشکلی از نظر فضا نداشتیم.»	حضور دانش‌آموزان در فضای کلاس به منظور اجرای هنرهای ترسیمی
آموزگار کد ۱۳: «تشکیل گروه‌های مرتبط با فعالیت‌های هنرهای ترسیمی در بیشتر اوقات توسط خودم انجام می‌شد و نقش دانش‌آموزان، یاری رساندن به یکدیگر در گروه‌ها بود چون اگر تشکیل گروه‌ها را به آنها می‌سپردم، با یکدیگر ناسازگاری و بحث می‌کردند.»	گروه‌بندی دانش‌آموزان به منظور اجرای هنرهای ترسیمی
آموزگار کد ۲: «من ترجیح می‌دادم که دانش‌آموزان به صورت انفرادی به ترسیم نقاشی و رنگ‌آمیزی بپردازند چون هدفم این بود که از طریق تجزیه و تحلیل نقاشی‌های ترسیم شده و رنگ‌آمیزی‌های انجام شده، ذهنیت دانش‌آموز را بخوانم و بتوانم اطلاعاتی درباره دانش‌آموز، خانواده‌اش، رابطه او با معلمش، مشکلات خانوادگی‌اش و... کسب کنم.»	* بی‌توجهی به گروه‌بندی در آموزش هنرهای ترسیمی
آموزگار کد ۹: «برای انجام ارزشیابی تکوینی در پایان سال، به عملکرد و فعالیت‌های دانش‌آموزان در طول سال توجه می‌کردم و تمامی فعالیت‌ها را مورد توجه قرار می‌دادم و اینگونه نبود که در پایان سال موضوعی را مشخص کنم تا بچه‌ها درباره آن نقاشی بکشند و بعد بخواهم مطابق با آن ارزشیابی کنم.»	ارزشیابی تکوینی و پایانی هنرهای ترسیمی مطابق با معیارهای مشخص

وضعیت آموزش هنرهای نمایشی در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان چگونه است؟ برای بررسی وضعیت آموزش هنرهای نمایشی در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان، داده‌های مصاحبه مورد تحلیل قرار گرفت. از مجموع ۴۶ کد محوری حاصل شده تعداد ۱۲ مورد آن مربوط به هنرهای نمایشی می‌باشد که دارای ۴۸ کد باز و ۴۰۱ فراوانی، بوده است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده مقوله «نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس هنرهای نمایشی» بیشترین درصد فراوانی ۱۷/۲۲ را به خود اختصاص داده است. همچنین، بیشترین میزان فراوانی مقوله مذکور مربوط به زیرمقوله اجرای نمایش

داستان‌های کتاب فارسی، مطالعات اجتماعی و هدیه‌های آسمانی توسط دانش‌آموزان همزمان با تدریس معلم با درصد فراوانی ۸/۷۳ و کمترین فراوانی آن مربوط به زیرمقوله پای کوبی دانش‌آموزان به هنگام خواندن آواز محلی توسط معلم در جریان تدریس با درصد فراوانی ۰/۲۵ است. نزدیک‌ترین کد محوری به مقوله «نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس هنرهای نمایشی» مربوط به مقوله «گروه‌بندی دانش‌آموزان به منظور اجرای هنرهای نمایشی» با درصد فراوانی ۱۱/۴۷ است. در مقابل کمترین میزان فراوانی مربوط به مقوله‌های «استفاده از فضای کلاس برای اجرای هنرهای نمایشی» و «بی‌توجهی معلم به ارزشیابی هنرهای نمایشی» با درصد فراوانی ۲ و نزدیک‌ترین کدهای محوری به مقوله‌های مذکور مربوط به مقوله‌های «کم‌توجهی به هنرهای نمایشی» و «ارزشیابی تکوینی و پایانی هنرهای نمایشی مطابق با معیارهای مشخص» با درصد فراوانی ۵/۴۹ می‌باشد. نمونه‌هایی از شواهد گفتاری آموزگاران شرکت‌کننده در ارتباط با هنرهای نمایشی در جدول شماره ۵ آمده است.

جدول شماره ۵. شواهد گفتاری آموزگاران در ارتباط با هنرهای نمایشی

شواهد گفتاری	کدهای محوری
آموزگار کد ۴: «هنرهای نمایشی تأثیر بسزایی می‌تواند در یادگیری دانش‌آموزان داشته باشد چرا که یک راه یادگیری برای دانش‌آموز دیدن است و چیزی را که می‌بیند، بهتر یاد می‌گیرد و با جرأت می‌توانم بگویم که هنرهای نمایشی یادگیری دانش‌آموزان را چندین برابر می‌کند و باعث تثبیت یادگیری آنها می‌شود.»	توجه و علاقه معلم و دانش‌آموزان به تحقق اهداف هنرهای نمایشی و دریافت بازخورد
آموزگار کد ۱۵: «زمانی که دانش‌آموزان یک پایه مشغول اجرای نمایش می‌شدند، تمرکز دانش‌آموزان پایه‌های دیگر به هم می‌ریخت و نمی‌توانستند تکالیف کلاسی خود را به درستی انجام دهند.»	کم‌توجهی به هنرهای نمایشی
آموزگار کد ۱۰: «به تلفیق هنرهای نمایشی با دروس مختلف توجه کمی داشتیم فقط به یاد دارم که درس آزاد کتاب فارسی توسط دانش‌آموزان به صورت نمایش اجرا شد و در دروس دیگر از هنرهای نمایشی استفاده نکردیم.»	تلفیق هنرهای نمایشی با دروس مختلف
آموزگار کد ۱: «تکلیفی که در منزل به دانش‌آموزان می‌دادم به این صورت بود که آنها می‌بایست نمایشی را که می‌خواستند در کلاس اجرا کنند، در منزل به همراه دوستان خود تمرین کنند.»	ارائه تکالیف مرتبط با هنرهای نمایشی
آموزگار کد ۶: «امکانات لازم برای اجرای نمایش و پخش موسیقی در مدرسه ما مناسب بود و دانش‌آموزان به هنگام اجرا می‌توانستند به راحتی از این امکانات استفاده کنند ولی متأسفانه در کلاس ما با وجود امکانات لازم، زیاد به هنرهای نمایشی پرداخته نشد.»	بررسی وضعیت امکانات موجود در مدرسه برای اجرای هنرهای نمایشی
آموزگار کد ۲: «اجرای بیشتر فعالیت‌های مرتبط با هنرهای نمایشی را دانش‌آموزان بر عهده داشتند و من تدریس را با مشارکت و همکاری دانش‌آموزان همراه کرده بودم و به عنوان یک ناظر و راهنما، آنها را هدایت می‌کردم.»	* نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس هنرهای نمایشی
آموزگار کد ۱۴: «در ارتباط با زمان اختصاص داده شده می‌توان گفت که در طول یک هفته، به طور میانگین دو ساعت به فعالیت‌های مرتبط با هنرهای نمایشی اختصاص می‌یافت چون درس فارسی بیشتر به صورت نمایش توسط دانش‌آموزان اجرا می‌شد و زمان زیادی را در طول هفته می‌گرفت.»	زمان اختصاص یافته برای انجام فعالیت‌های مرتبط با هنرهای نمایشی
آموزگار کد ۷: «اجرای نمایش توسط دانش‌آموزان و همچنین خواندن موسیقی، در فضای کلاس انجام می‌گرفت و من دانش‌آموزان را برای اجرای فعالیت‌های هنرهای نمایشی، به طبیعت اطراف مدرسه نبردم.»	* استفاده از فضای کلاس برای اجرای هنرهای نمایشی
آموزگار کد ۱۳: «فضای کلاس کوچک بود و برای اجرای نمایش از فضای بیرون کلاس مانند مسجد روستا استفاده می‌کردیم. دانش‌آموزان در این فضا قرار می‌گرفتند و می‌توانستند به راحتی اجرای نمایش تعزیه، داشته باشند و من سعی می‌کردم که همیشه دانش‌آموزان را برای اجرای نمایش تعزیه، به مسجد روستا ببرم.»	استفاده از فضای خارج از کلاس به منظور اجرای هنرهای نمایشی
آموزگار کد ۵: «گروه‌هایی برای اجرای نمایش انتخاب می‌شدند که توانایی انجام این کار را داشته باشند و ملاک من برای گروه‌بندی دانش‌آموزان، توانایی آنها بود و علاوه بر این، علاقه دانش‌آموزان را هم در نظر می‌گرفتم یعنی دانش‌آموزان هم بر اساس علاقه و هم بر اساس توانایی، گروه‌بندی می‌شدند.»	گروه‌بندی دانش‌آموزان به منظور اجرای هنرهای نمایشی
آموزگار کد ۲: «برای ارزشیابی در طول سال، یک طرح تشویقی آماده کرده بودم و برای فعالیت‌هایی که دانش‌آموزان انجام می‌دادند، در قسمت مربوط به هر دانش‌آموز، ستاره می‌چسباندیم و ارزشیابی تکوینی را مطابق با تعداد ستاره‌های چسبانده شده در طرح، انجام می‌دادم.»	ارزشیابی تکوینی و پایانی هنرهای نمایشی مطابق با معیارهای مشخص
آموزگار کد ۳: «از دانش‌آموزان انتظار زیادی نداشتم و برای ارزشیابی چه در طول سال و چه در پایان سال به هنرهای نمایشی توجه خاصی نداشتم و ارزشیابی هنرهای نمایشی برایم مهم نبود، شاید به این علت بود که خودم به هنرهای نمایشی به خوبی نپرداختم.»	* بی‌توجهی معلم به ارزشیابی هنرهای نمایشی

وضعیت آموزش هنرهای دستی در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان چگونه است؟ برای بررسی وضعیت آموزش هنرهای دستی در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان، داده‌های مصاحبه مورد تحلیل قرار گرفت. از مجموع ۴۶ کد محوری حاصل شده تعداد ۱۲ مورد آن مربوط به هنرهای دستی می‌باشد که دارای ۴۵ کد باز و ۵۵۰ فراوانی بوده است.

با توجه به بررسی‌های انجام شده مقوله «تلفیق هنرهای دستی با دروس مختلف» بیشترین درصد فراوانی ۱۴/۳۶ را به خود اختصاص داده است. همچنین، بیشترین میزان فراوانی مقوله یادشده مربوط به زیرمقوله کاربرد کاردستی توسط معلم در جریان تدریس موضوعات مختلف موجود در کتاب‌های درسی دانش‌آموزان با درصد فراوانی ۸/۹۱ و کمترین میزان فراوانی مربوط به زیرمقوله استفاده زیاد از تلفیق هنرهای دستی با درس علوم، مطالعات اجتماعی، ریاضی و کار و فناوری با درصد فراوانی ۵/۴۵ می‌باشد. نزدیک‌ترین کد محوری به مقوله «تلفیق هنرهای دستی با دروس مختلف» مربوط به مقوله «توجه و علاقه معلم و دانش‌آموزان به تحقق اهداف هنرهای دستی و دریافت بازخورد» با درصد فراوانی ۱۳/۶۴ است. در مقابل کمترین میزان فراوانی مربوط به مقوله «انجام فعالیت‌های انفرادی هنرهای دستی» با درصد فراوانی ۱/۴۵ و نزدیک‌ترین کدهای محوری به مقوله مذکور مربوط به مقوله‌های «توجه اندک به هنرهای دستی» با درصد فراوانی ۲ و «حضور دانش‌آموزان در فضای کلاس به منظور اجرای هنرهای دستی» با درصد فراوانی ۲/۳۶ می‌باشد. نمونه‌هایی از شواهد گفتاری آموزگاران شرکت‌کننده در ارتباط با هنرهای دستی در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول شماره ۶. شواهد گفتاری آموزگاران در ارتباط با هنرهای دستی

شواهد گفتاری	کدهای محوری
آموزگار کد ۲: «من سعی می‌کردم که همیشه در زنگ‌های هنر و همچنین در برخی مواقع در زنگ‌های دیگر دروس مانند ریاضی و علوم، برای ساختن کاردستی برنامه داشته باشم که یکی از دلایل اصلی آن علاقه زیاد خودم به ساختن کاردستی است.»	توجه و علاقه معلم و دانش‌آموزان به تحقق اهداف هنرهای دستی و دریافت بازخورد
آموزگار کد ۸: «در طول سال تحصیلی به‌طور خیلی محدود به هنرهای دستی مخصوصاً کاردستی پرداخته شد و کاردستی‌های ساخته شده، هیچ ارتباطی به دروس مختلف دانش‌آموزان نداشت و بچه‌ها به صورت موضوع آزاد، کاردستی درست می‌کردند. پس می‌توانم بگویم که به تلفیق هنرهای دستی با دروس مختلف دانش‌آموزان توجهی نداشتم.»	توجه اندک به هنرهای دستی
آموزگار کد ۱۴: «از تلفیق هنرهای دستی با دروس مختلف زیاد استفاده می‌شد مثلاً در تلفیق با علوم و کار و فناوری، از دانش‌آموزان خواستم تا مواد غذایی مختلف مانند حبوبات، سبزیجات، کربوهیدرات و ... را که در کتاب علوم آنها آمده است، در ابتدا طبقه‌بندی کنند و بعد با توجه به نحوه پختن آش که در کتاب کار و فناوری آنها اشاره شده بود، در حیاط مدرسه آش بپزند.»	* * * تلفیق هنرهای دستی با دروس مختلف
آموزگار کد ۶: «از دانش‌آموزان می‌خواستم تا فعالیت‌هایی مانند دوخت و دوز و بافندگی را که در ارتباط با درس کار و فناوری است، در منزل انجام دهند که به این منظور آنها با کمک بزرگترها در منزل فرش می‌بافتند و یا اینکه با استفاده از کاموا کارهای بافتنی زیادی انجام می‌دادند مثلاً آویز درست میکردند، تزئین آینه انجام می‌دادند و ...»	ارائه تکالیف مرتبط با هنرهای دستی
آموزگار کد ۳: «امکانات مورد نیاز برای آنکه دانش‌آموزان بتوانند هنرهای دستی را انجام دهند، نبود به همین خاطر از بچه‌ها خواستم تا هر چیزی را که در منزل دارند و یا در طبیعت پیدا می‌کنند که متناسب با موضوع فعالیت ما باشد، به کلاس بیاورند و وسیله مورد نظر را بسازند.»	بررسی وضعیت امکانات موجود در مدرسه برای اجرای هنرهای دستی
آموزگار کد ۱۲: «در درس علوم خیلی از کاردستی استفاده می‌شد به این صورت که دانش‌آموزان وسایل لازم برای ساختن کاردستی را به کلاس می‌آوردند تا بتوانند آن را بسازند. مثلاً برای نشان دادن انرژی آب جاری، دانش‌آموزان وسایل مختلف مانند بطری، لیوان یکبار مصرف، سنجاق، قاشق یکبار مصرف، فیبر، میله و ... را به کلاس آوردند و کاردستی مورد نظر را با مشارکت یکدیگر ساختند که این درس در ذهن بچه‌ها ماند.»	نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس هنرهای دستی
آموزگار کد ۱۶: «دانش‌آموزان در بیشتر زنگ‌های هنر به کشیدن نقاشی و ساختن کاردستی، مشغول بودند و زمان زیادی به انجام این فعالیت‌ها اختصاص داده می‌شد که می‌توانم بگویم به طور میانگین در طول یک هفته، ۴ ساعت به فعالیت‌های مربوط به هنرهای دستی اختصاص می‌یافت.»	زمان اختصاص یافته برای انجام فعالیت‌های مرتبط با هنرهای دستی

حضور دانش‌آموزان در فضای کلاس به منظور اجرای هنرهای دستی	آموزگار کد ۵: «دانش‌آموزان برای فعالیت در فضای کلاس، مشکلی نداشتند چرا که چیدمان میزها در کلاس به صورت U شکل بود و از این طریق، فضای جلوی کلاس خالی شده بود. دانش‌آموزان بر روی مکتبی که در این فضا پهن شده بود، می‌نشستند و مشغول انجام فعالیت می‌شدند.»
استفاده از فضای خارج از کلاس به منظور اجرای هنرهای دستی	آموزگار کد ۱۲: «برای اینکه دانش‌آموزان بتوانند به راحتی کارهای مربوط به هنرهای دستی مانند کاردستی و سفالگری را انجام دهند و کلاس هم کثیف نشود، آنها را به یکی دیگر از کلاس‌های مدرسه که دانش‌آموزی در آن نبود، می‌بردم. چون در این کلاس مکتب پهن شده بود و دانش‌آموزان می‌توانستند به راحتی بنشینند و فعالیت کنند. از طرفی فضای این کلاس به علت وجود تعداد زیادی پنجره، روشن بود.»
گروه‌بندی دانش‌آموزان به منظور اجرای هنرهای دستی	آموزگار کد ۹: «برای گروه‌بندی دانش‌آموزان، علاوه بر اینکه توانایی‌های متفاوت آنها را در نظر می‌گرفتم تا دانش‌آموزان با توانایی‌های متفاوت در یک گروه قرار بگیرند، نزدیکی منازل دانش‌آموزان هم مورد توجه بود. چرا که بیشتر فعالیت‌های هنرهای دستی در منزل انجام می‌شد و از این طریق بچه‌ها می‌توانستند به راحتی با یکدیگر همکاری داشته باشند.»
*انجام فعالیت‌های انفرادی هنرهای دستی	آموزگار کد ۱۳: «من بچه‌ها را گروه‌بندی نمی‌کردم و از آنها می‌خواستم تا فعالیت‌های مربوطه را به صورت انفرادی انجام دهند، چون اعتقادم بر این است که دانش‌آموز از طریق انفرادی کار کردن، بیشتر یاد می‌گیرد.»
ارزشیابی تکوینی و پایانی هنرهای دستی مطابق با معیارهای مشخص	آموزگار کد ۱۱: «برای انجام ارزشیابی پایانی، به عملکرد دانش‌آموزان در طول سال توجه می‌کردم و مطابق با بازخوردهای داده شده به فعالیت‌های دانش‌آموزان و یادداشت‌های ثبت شده در دفتر کلاسی، ارزشیابی پایانی را انجام می‌دادم.»

وضعیت آموزش هنرهای ادبی در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان چگونه است؟ برای بررسی وضعیت آموزش هنرهای ادبی در کلاس‌های چندپایه بر حسب ادراکات و تجارب زیسته معلمان، داده‌های مصاحبه مورد تحلیل قرار گرفت. از مجموع ۴۶ کد محوری حاصل شده تعداد ۱۱ مورد آن مربوط به هنرهای ادبی می‌باشد که دارای ۳۸ کد باز و ۵۱۵ فراوانی، است.

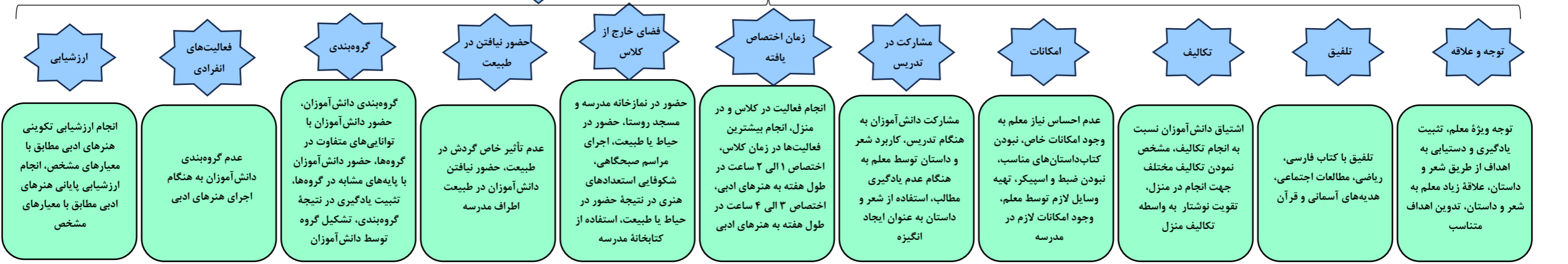
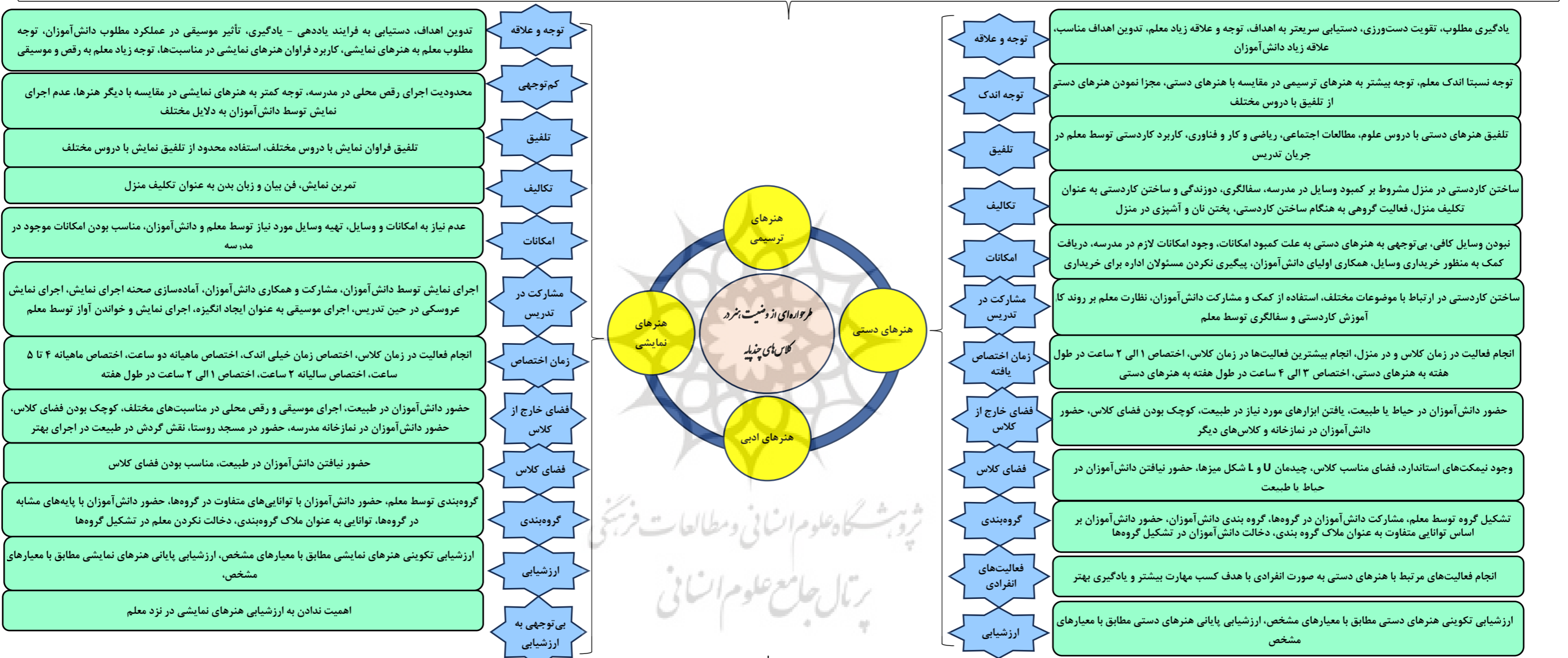
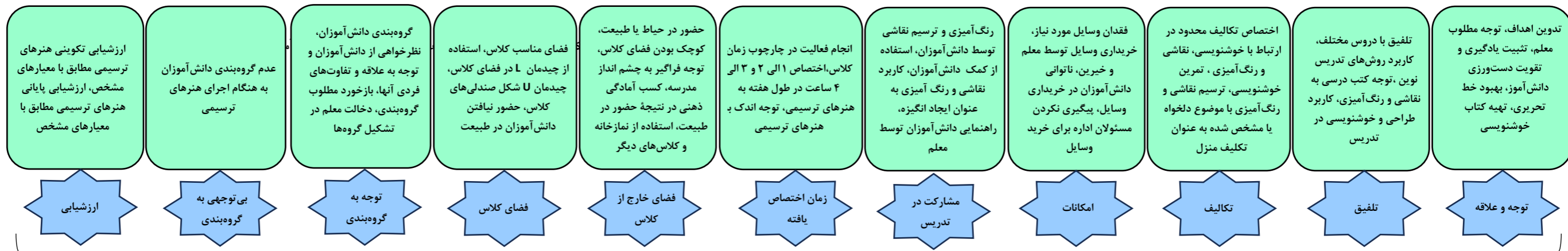
با توجه به بررسی‌های انجام شده مقوله «نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس هنرهای ادبی» بیشترین درصد فراوانی ۲۵/۲۴ را به خود اختصاص داده است. همچنین، بیشترین میزان فراوانی مقوله مذکور مربوط به زیرمقوله استفاده معلم از شعر، قصه و داستان به منظور تدریس موضوعات مختلف کتاب‌های درسی دانش‌آموزان با درصد فراوانی ۱۲/۴۳ و کمترین میزان فراوانی مربوط به زیرمقوله استفاده از شعر، قصه و داستان توسط معلم به عنوان ایجاد انگیزه تدریس با درصد فراوانی ۲/۳۳ می‌باشد. نزدیکترین کد محوری به مقوله «نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس هنرهای ادبی» مربوط به مقوله «استفاده از فضای خارج از کلاس به منظور اجرای هنرهای ادبی» با درصد فراوانی ۱۲/۶۲ است. در مقابل کمترین میزان فراوانی مربوط به مقوله «انجام فعالیت‌های انفرادی هنرهای ادبی» با درصد فراوانی ۰/۵۸ و نزدیک‌ترین کد محوری به مقوله یادشده مربوط به مقوله «حضور نیافتن در طبیعت به هنگام اجرای هنرهای ادبی» با درصد فراوانی ۱/۹۴ می‌باشد. نمونه‌هایی از شواهد گفتاری آموزگاران شرکت‌کننده در ارتباط با هنرهای ادبی در جدول شماره ۷ آمده است.

جدول شماره ۷. شواهد گفتاری آموزگاران در ارتباط با هنرهای ادبی

کدهای محوری	شواهد گفتاری
توجه و علاقه معلم و دانش‌آموزان به تحقق اهداف هنرهای ادبی و دریافت بازخورد	آموزگار کد ۱۵: «من به عنوان یک معلم علاقه خیلی زیادی به شعر و داستان دارم به گونه‌ای که اغلب اوقات، در ابتدای کلاس یک بیت شعر می‌گویم و یا اینکه یک داستانی را تعریف می‌کنم.»
تلفیق هنرهای ادبی با دروس مختلف	آموزگار کد ۱۶: «در درس فارسی خیلی زیاد از شعر و داستان استفاده می‌شد. مثلاً برای آموزش نشانه‌های کتاب فارسی، از شعر و داستان استفاده می‌شد. در ارتباط با ضرب‌المثل‌های کتاب فارسی، داستان‌هایی را برای دانش‌آموزان تعریف می‌کردم. برای آموزش اعداد و یا جدول ضرب، از شعر و داستان استفاده می‌شد. همچنین برخی از موضوعات کتاب مطالعات اجتماعی و هدیه‌های آسمانی را به صورت داستان برای دانش‌آموزان تعریف می‌کردم.»
ارائه تکالیف مرتبط با هنرهای ادبی	آموزگار کد ۳: «دانش‌آموزان تکالیف منزل هنرهای ادبی را با علاقه بیشتری انجام می‌دادند چون احتمالاً زمانی که علاقه زیاد من را نسبت به هنرهای ادبی می‌دیدند، با ذوق بیشتری تکالیف منزل خود

	را انجام می‌دادند به گونه‌ای که دروس مختلف را از قبل مطالعه می‌کردند تا ببینند که آیا می‌توانند یک داستان یا شعر زیبا آماده کنند و سر کلاس بخوانند؟»
آموزگار کد ۶: «در مدرسه ما به علت نوساز بودن ضبط و اسپیکر موجود بود و دانش‌آموزان برای اجرای هنرهای ادبی از جمله خواندن سرود، هیچ‌گونه مشکلی نداشتند. علاوه بر این، کلاس مدرسه مجهز به پروژکتور هم بود و از نظر امکانات تأمین بودیم.»	بررسی وضعیت امکانات موجود در مدرسه برای اجرای هنرهای ادبی
آموزگار کد ۴: «در درس هفت خان رستم کتاب فارسی، احساس کردم که هم روخوانی درس و هم معنای شعر آن مشکل هست و با یک بررسی، متوجه درستی احساس خود شدم، به همین خاطر این داستان و اتفاقاتی که در هر مرحله می‌افتاد به صورت داستان برای بچه‌ها تعریف کردم و در انتهای داستان متوجه شدم که دانش‌آموزان خیلی خوب آن را یاد گرفتند.»	* * نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس هنرهای ادبی
آموزگار کد ۱۰: «زمان زیادی را در طول هفته به این دسته فعالیت‌ها اختصاص می‌دادم چون به طور مرتب با بچه‌ها سرود تمرین می‌کردم و برای تدریس، از شعر و داستان‌های مختلف استفاده می‌کردم. پس می‌توانم بگویم که به‌طور میانگین ۳ ساعت در طول هفته به هنرهای ادبی اختصاص می‌یافت.»	زمان اختصاص‌یافته برای انجام فعالیت‌های مرتبط با هنرهای ادبی
آموزگار کد ۱۳: «از فضای خارج کلاس مانند مسجد روستا، برای تمرین اذان استفاده می‌کردیم به این صورت که به داخل مسجد می‌رفتیم و بچه‌ها در آنجا اذان می‌گفتند.»	استفاده از فضای خارج از کلاس به منظور اجرای هنرهای ادبی
آموزگار کد ۳: «نقش‌گردش در طبیعت را برای یادگیری و اجرای بهتر هنرهای ادبی، کمتر می‌بینم و به نظرم تأثیر خاصی نداشت، چون دانش‌آموزان اغلب در ساعات خارج از مدرسه، در طبیعت مشغول خواندن شعر و داستان هستند و این فضا برای آنها عادی است.»	حضور نیافتن در طبیعت به هنگام اجرای هنرهای ادبی
آموزگار کد ۴: «گروه بندی دانش‌آموزان به منظور اجرای هنرهای ادبی بر اساس توانایی‌های متفاوت بود چرا که معتقدم گروه‌بندی بر اساس توانایی‌های مشابه کارساز نیست. مثلاً برای گروه‌بندی، دانش‌آموز با فن بیان بالا را با دانش‌آموز متوسط و ضعیف در یک گروه قرار می‌دادم که این نوع گروه‌بندی، نتایج خیلی مثبتی به همراه داشت.»	گروه‌بندی دانش‌آموزان به منظور اجرای هنرهای ادبی
آموزگار کد ۵: «نیازی نمی‌دیدم که دانش‌آموزان را برای اجرای فعالیت‌های مرتبط با هنرهای ادبی گروه‌بندی کنم چرا که در حالت فعالیت انفرادی به خوبی عمل می‌کردند، در صورتی که اگر گروه‌بندی می‌شدند، مشکلاتی مانند ایجاد سر و صدای زیاد در کلاس به وجود می‌آمد.»	* * انجام فعالیت‌های انفرادی هنرهای ادبی
آموزگار کد ۱۶: «فعالیت‌هایی را که دانش‌آموزان در طول سال انجام می‌دادند، یادداشت می‌کردم و بهترین نمونه کارهای ادبی دانش‌آموزان را نیز، در پوشه کار آنها قرار می‌دادم. در پایان سال مطابق با یادداشت‌های ثبت شده و پوشه کار، دانش‌آموزان را ارزشیابی می‌کردم.»	ارزشیابی تکوینی و پایانی هنرهای ادبی مطابق با معیار مشخص

در شکل شماره (۱) مدل مفهومی ادراکات و تجارب زیسته معلمان از وضعیت آموزش هنر در کلاس‌های چندپایه مدارس ابتدایی مشاهده می‌شود که کدهای باز با رنگ سبز، کدهای محوری با رنگ آبی و کدهای گزینشی با رنگ زرد نشان داده شده است.



شکل ۱. مدل طرح‌واره‌ای ادراکات و تجارب زیسته معلمان از وضعیت آموزش هنر در کلاس‌های چندپایه مدارس ابتدایی (پژوهشگران، ۱۴۰۱)



نتیجه‌گیری و بحث

در طی بررسی سؤال اول پژوهش و مطالعات صورت گرفته در خارج از کشور می‌توان دریافت که یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های هاینگورا (۲۰۱۴)، نلیسیوه‌گاسا (۲۰۱۶)، آنجین (۲۰۱۸)، لیندا و همکاران (۲۰۱۹)، ناپاران و کاستاندا (۲۰۲۱)، تومبلا (۲۰۲۱) و میهلا و ماکنا (۲۰۲۲) همسوست، زیرا نتایج مطالعات بیان شده نشان می‌دهد که در کلاس‌های چندپایه به دلیل عواملی مانند کمبود زمان، فقدان مهارت لازم و تخصص کافی معلمان برای آموزش هنر، اهمیت قائل نشدن برای درس هنر در برنامه آموزشی مدارس، تشکیل ندادن کارگاه‌های آموزشی برای معلمان چندپایه، وجود مشکلاتی در سیاست آموزش و پرورش، کمبود حمایت از سوی مقامات آموزشی و حجم کار سنگین معلمان به آموزش هنر در مدارس چندپایه توجه لازم نمی‌شود که باید با در پیش گرفتن راهکارهایی مانند در اختیار قرار دادن مواد آموزشی و یادگیری مناسب، تشویق معلمان در راستای هدف و تدوین برنامه‌هایی با محتوای آموزش هنر در راستای تعدیل چالش‌های ایجاد شده، اقدام نمود و بر اهمیت آموزش هنر در این مدارس، افزود. همچنین می‌توان دریافت که یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های کریمی و غفوری (۱۳۹۷) و حسنی و پروین (۱۴۰۲) همسویی دارد، زیرا یافته‌های مطالعات اشاره شده نشان می‌دهد که وجود عواملی مانند کمبود وقت، آشنا نبودن معلمان با روش‌های مناسب تدریس و نامناسب بودن راهبردهای یاددهی-یادگیری وجود دارد که زمینه‌ساز کم‌توجهی به درس هنر شده است که برای حل چالش‌های مطرح شده، سیستم آموزشی باید راهکارهای مناسبی در پیش بگیرد و با طراحی الگوی مناسب آموزش هنر در کلاس‌های چندپایه، این مسائل را مدیریت کند. با این حال یافته‌های آهنگری آهنگرکلایی و همکاران (۱۳۹۵) با پژوهش حاضر ناهمسوست، زیرا در نتایج این مطالعه بیان شده است که جایگاه هنر در آموزش و پرورش به دلیل توجه سند تحول بنیادین به تربیت هنری ارتقا یافته است در حالی که از نتایج به‌دست‌آمده در نتیجه مصاحبه با آموزگاران کلاس‌های چندپایه، می‌توان استنباط کرد که به انواع هنرها به‌طور متوازن توجه نمی‌شود و در این میان، هنرهای نمایشی کمترین میزان اهمیت را در نزد معلمان دارد و به نوعی برنامه درسی هنر در بعد هنرهای نمایشی به حاشیه رفته است.

در بررسی سؤال دوم پژوهش می‌توان دریافت زمانی که دانش‌آموزان در قالب یک گروه در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، سعی می‌کنند که برای انجام مسئولیت‌های محول شده به گروه، با یکدیگر ارتباط برقرار کنند، حرف بزنند، نظرات خود را بیان کنند و از همه مهم‌تر مجبور خواهند شد تا خجالتی بودن را فراموش کنند. همچنین از طریق فعالیت گروهی، میان دانش‌آموزان حس رقابت بوجود می‌آید و تلاش می‌کنند تا فعالیت واگذار شده را به نحو احسن انجام دهند که در نتیجه کلاس پویایی بیشتر پیدا می‌کند. یافته‌های محققان بهلکه و همکاران (۱۴۰۰) با یافته‌های مطالعه حاضر در یک راستا می‌باشد، زیرا اظهار کرده‌اند که فعالیت‌های هنری باعث افزایش حس مشارکت و همدلی میان دانش‌آموزان می‌شود به گونه‌ای که آنها با نظارت و راهنمایی آموزگار خود یاد می‌گیرند که چگونه فعالیت‌های هنری را در تعامل با یکدیگر و به‌صورت گروهی انجام دهند که این امر موجب افزایش یادگیری دانش‌آموزان نیز می‌شود. با این حال یافته پژوهش نوری و فارسی (۱۳۹۵) با پژوهش حاضر هم‌جهت نیست؛ چرا که این پژوهشگران بیان کرده‌اند که نقاشی اغلب از طریق روش توضیحی در کلاس درس هنر تدریس می‌شود، در حالی که یافته پژوهش حاضر بر کاربرد انواع روش‌های نوین تدریس تأکید دارد.

در طی بررسی سؤال سوم پژوهش می‌توان اشاره داشت فعالیت‌های مرتبط با هنرهای نمایشی، باعث افزایش اعتماد به نفس و شور و نشاط میان دانش‌آموزان می‌شود و آنها از طریق فعالیت در گروه، مسئولیت‌پذیری و مشارکت گروهی را می‌آموزند و آمادگی بهتری برای زندگی در اجتماع آینده کسب می‌کنند و یا دانش‌آموزانی که بیش‌فعال و یا خجالتی هستند می‌توانند از طریق شرکت در فعالیت‌های مرتبط با هنرهای نمایشی، تا حدودی بر این مشکلات فائق شوند. از طرفی معلم می‌تواند از فعالیت‌های نمایشی به عنوان یک ابزار برای یادگیری بهتر دانش‌آموز استفاده کند، چون یک راه یادگیری برای دانش‌آموز دیدن است. نتایج پژوهش بایراکتار و اوکوران (۲۰۱۲) با مطالعه حاضر همسو می‌باشد. همان‌گونه که اشاره شد، یکی از کدهای محوری به‌دست‌آمده در ارتباط با هنرهای

نمایشی، توجه و علاقه معلم و دانش‌آموزان به تحقق اهداف هنرهای نمایشی و دریافت بازخورد است و در نتایج پژوهشگران مطرح شده، آمده است که نمایش بر خلاقیت، ابتکار و انعطاف‌پذیری دانش‌آموزان تأثیر مثبت دارد به گونه‌ای که منجر به تقویت مهارت‌های خواننداری و نوشتاری دانش‌آموزان، بهبود عملکرد تحصیلی و افزایش یادگیری آنها می‌شود. با این حال یافته پژوهش ولاسکو و همکاران (۲۰۲۲) با پژوهش حاضر همسو نیست، زیرا در نتیجه مصاحبه با آموزگاران کلاس‌های چندپایه به دست آمد که معلمان به هنگام تدریس با چالش‌های متعددی از جمله کمبود زمان، حجم زیاد کتاب‌های درسی و تعداد زیاد دانش‌آموزان مواجه هستند که روند تدریس را با مشکلاتی همراه می‌کند. حال در یافته پژوهشگران آمده است که دیدگاه معلمان در مورد تدریس چندپایه رضایت‌بخش است، درحالی که در پژوهش حاضر مصاحبه با آموزگاران این میزان رضایت را نشان نمی‌دهد.

در بررسی سؤال چهارم پژوهش و در ارتباط با ارزشیابی می‌توان اشاره داشت که ارزشیابی جزء جدانشدنی فرایند یادگیری به شمار می‌آید و آموزگار از طریق ارزشیابی میزان دستیابی به اهداف را می‌سنجد و در صورت عدم دستیابی به نتیجه مورد نظر، علل احتمالی را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ چرا که عملکرد دانش‌آموزان در فعالیت‌های مختلف یکسان نیست. از طرفی شیوه تلفیقی همخوانی بسیار خوبی با کلاس‌های چندپایه دارد، زیرا معلم می‌تواند با آماده‌سازی شرایط، زمینه‌های یادگیری عمیق و معنادار را برای دانش‌آموزان فراهم سازد و علاوه بر صرفه‌جویی در زمان کلاس، مطالب دروس مختلف را نیز به دانش‌آموزان آموزش دهد. نتایج پژوهش مهرافروزی و محمدی (۱۴۰۰) با یافته پژوهش حاضر همسویی دارد، زیرا یکی از کدهای محوری به دست آمده از هنرهای دستی، توجه و علاقه معلم و دانش‌آموزان به تحقق اهداف هنرهای دستی و دریافت بازخورد می‌باشد و این محققان نیز اظهار می‌دارند که بازخورد درس هنر موجب رشد حافظه و تصورات عینی دانش‌آموزان، رشد مهارت‌های زیبایی‌شناختی، اجتماعی-عاطفی و اجتماعی-فرهنگی آنها می‌شود. به عبارتی دیگر، هنر در زمینه کشف استعدادها، خلاق و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان، نقش حیاتی بر عهده دارد. با این حال یافته پژوهش نوری و فارسی (۱۳۹۵) با پژوهش حاضر هم‌جهت نیست؛ چرا که این پژوهشگران مطرح نموده‌اند که برای آموزش کاردستی اغلب از روش توضیحی استفاده می‌شود و تدریس مبحث کاردستی به صورت سخنرانی است در حالی که مطابق با نتایج حاصل شده از مصاحبه با معلمان دریافت شد که فعالیت‌های مرتبط با هنرهای دستی مانند کاردستی به صورت تلفیقی و در قالب فعالیت گروهی و مشارکتی انجام می‌گیرد.

در طی بررسی سؤال پنجم پژوهش، می‌توان استنباط نمود که یکی از گام‌های مهم در راستای افزایش کیفیت آموزش و هم‌چنین تحقق اهداف آموزش و پرورش، مشارکت میان معلم و دانش‌آموزان است که بسیار دارای اهمیت می‌باشد. مشارکت میان معلم و دانش‌آموزان به هنگام تدریس، باعث ایجاد شور و نشاط در میان دانش‌آموزان و در نهایت افزایش میزان یادگیری آنها می‌شود. برای نمونه زمانی که آموزگار تلاش می‌کند تا به کمک دانش‌آموزان از شعر، قصه و داستان به عنوان ایجاد انگیزه تدریس استفاده کند، مطالب ارائه شده به خوبی در ذهن دانش‌آموزان تثبیت می‌شود. نتایج مطالعات شاه‌نعمتی و همکاران (۱۳۹۶)، خاضع و همکاران (۱۴۰۰)، شعبانی شلوه‌سلفی (۱۴۰۰) و روئین‌تن و همکاران (۱۴۰۱) با یافته مطالعه حاضر در ارتباط می‌باشد، زیرا این محققان اظهار داشته‌اند که معلمان کلاس‌های چندپایه به منظور تدریس اثربخش، باید از روش‌های نوین تدریس استفاده کنند و از آمادگی لازم برای این کار برخوردار باشند تا بتوانند از این طریق موجب ارتقای جایگاه کلاس‌های چندپایه شوند که این موضوع در یافته پژوهش حاضر تحت عنوان استفاده از روش‌های تدریس نوین به هنگام تدریس هنرهای ادبی، اشاره شده است. در ارتباط با پژوهش‌های خارجی نیز می‌توان گفت که یافته‌های تحقیقات بوآ و مارتین (۲۰۲۰) و ناپاران و آلینسوگ (۲۰۲۱) با نتایج پژوهش حاضر همسویی دارد، زیرا بر اهمیت فعالیت و کارهای گروهی در فرایند یاددهی-یادگیری و ایجاد یادگیری مشارکتی به عنوان راهبردهای تدریس اشاره دارد که در نتیجه مشارکت گروهی، یادگیری دانش‌آموزان افزایش می‌یابد، همان‌طور که در یافته پژوهش حاضر به نقش فعالیت‌های گروهی بر افزایش تعامل و همکاری میان دانش‌آموزان و ایجاد یادگیری عمیق و معنادار اشاره گردیده است.

در ادامه مطابق با یافته‌های به دست آمده از مطالعه حاضر، به منظور تقویت قوت‌ها و تقلیل و یا برطرف ساختن مشکلات بوجود آمده پیرامون آموزش هنر در کلاس‌های چندپایه، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد.

- مطابق با یافته‌های به‌دست‌آمده از پژوهش حاضر، می‌توان استنباط نمود که در کلاس‌های چندپایه به ابعاد چهارگانه هنر (ترسیمی، نمایشی، دستی و ادبی) به‌طور متوازن توجه نمی‌شود به‌گونه‌ای که هنرهای نمایشی کمترین میزان اهمیت را در نزد معلمان کلاس‌های چندپایه به خود اختصاص داده است، در حالی که هر چهار نوع هنر از اهمیت یکسانی برخوردار بوده و در زندگی آینده دانش‌آموزان تأثیرگذار است، بنابراین لازم است که توجه آموزگاران کلاس‌های چندپایه به ابعاد چهارگانه هنر به‌صورت متوازن باشد.
 - یکی از نتایج مهم به‌دست‌آمده در نتیجه مصاحبه با آموزگاران، افزایش میزان فراوانی و درصد نقش مشارکتی معلم و دانش‌آموزان در جریان تدریس انواع هنرها است که این یک مزیت به‌شمار می‌رود، زیرا معلمان چندپایه دریافته‌اند که مشارکت و همکاری در کلاس درس به هنگام تدریس، موجب ایجاد یادگیری تعاملی و تثبیت یادگیری دانش‌آموزان می‌شود. در این راستا لازم است که آموزگاران به منظور افزایش کیفیت یادگیری با فنون مختلف تدریس و روش‌های گوناگون گروه‌بندی آشنایی بیشتری پیدا کنند و با آمادگی بیشتری در کلاس درس خود حاضر شوند.
 - مسئله مهمی که از بیانات معلمان دریافت شد این بود که اداره محل خدمت آموزگاران به کلاس‌های چندپایه توجه کافی ندارد و چندان مساعدتی به منظور تهیه وسایل لازم برای انجام فعالیت‌های هنری نمی‌کند و معلمان با کمک خیرین و هزینه شخصی، وسایل لازم را تهیه می‌کنند. پیشنهاد می‌شود که مسئولان امر با برنامه‌ریزی‌های لازم بودجه‌ای کافی به کلاس‌های چندپایه اختصاص دهند تا معلم کلاس بتواند وسایل مورد نیاز دانش‌آموزان را برای پرداختن به فعالیت‌های هنری خریداری کند.
 - مصاحبه با معلمان نشان داد که استفاده از فضای بیرون کلاس به هنگام انجام فعالیت در مقایسه با استفاده از فضای داخل کلاس، فراوانی و درصد بیشتری را به خود اختصاص داده است. نکته‌ای که وجود دارد این است که اگر دانش‌آموزان بیشتر فعالیت‌ها را در فضای بیرون انجام دهند، ممکن است به انجام فعالیت در فضای داخل کلاس علاقه کمتری نشان دهند؛ بنابراین معلم باید به گونه‌ای عمل کند که حضور در فضای بیرون به یک عادت برای دانش‌آموز تبدیل نشود و در صورت امکان به انجام فعالیت در فضای کلاس توجه بیشتری داشته باشد.
 - یکی دیگر از مسائلی که در کلاس‌های چندپایه مطرح است، حجم کتب درسی چندپایه است به‌طوری که حجم کتاب‌های درسی تک‌پایه هیچ‌گونه تفاوتی با کتاب‌های درسی چندپایه ندارد. حال از آنجایی که معلمان چندپایه نیاز به برنامه‌هایی با محتوای خاص دارند، لازم است که متصدیان امر کلاس‌های چندپایه با هماهنگی متخصصان این حوزه، کتاب‌هایی با حجم مناسب و یک برنامه درسی سازگار با ویژگی‌های دانش‌آموزان چندپایه تدوین نمایند.
- در نهایت می‌توان گفت تمامی پژوهش‌ها دارای محدودیت هستند که یافته‌های پژوهش را تحت تأثیر قرار می‌دهند و محدودیت‌های پژوهش حاضر نیز زمان‌بر بودن فرایند گردآوری، تحلیل و تفسیر داده‌ها، رعایت جوانب احتیاط به منظور تعمیم داده‌ها به دیگر استان‌ها و امکان وجود تفسیرهای علمی متفاوت به علت دخیل بودن تفسیر محقق است.

تقدیر و تشکر: نویسندگان بر خود لازم می‌دانند از تمامی آموزگاران شرکت‌کننده در این پژوهش، تقدیر و تشکر نمایند.

References

- Ahangari, Z., Leadership, F., Sarvari, F. (2015). A comparative study of elementary school art education in Iran and Japan. Iran's national conference of knowledge and technology of psychology, *educational sciences and comprehensive studies*. 1-11. (Text in Persian)
- Asgranjad, M., Gozashti, M. (2014). Literary art and artistic literature. *Literary Science Quarterly Journal*. 6(4), 232-213. <https://doi.org/10.2307/426172> (Text in Persian)
- Bahlke, S., Hamidi, Z., Doji, R. (2021). Analysis of the importance of the effectiveness of active teaching methods on multigrade classes. 1-14. (Text in Persian)

- Bayraktar, A., Okvuran, A. (2012). Improving students' writing through creative drama. *Aysegul Bayraktar and Ayse Okvuran / Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 51, 662-665. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2012.08.220> (Text in Persian)
- Berry, C. (2000). Multigrade teaching in London, England. *Education For All And Multigrade Teaching*, 67-86. (Text in Persian)
- Bitarfan, F., Sojudi, M., Dehghani, M. (2019). Examining the implementation obstacles of the fundamental transformation of education document. *Research in curriculum planning*. 2(40), 110-90. <https://doi.org/10.30486/jsre.2020.1884437.1515> (Text in Persian)
- Bua, Joel D. Martin, Del Mundo. (2020). Handling multi-grade teaching: It's educational implication towards teachers' competence. *Management Research Journal*, <https://ojs.upsi.edu.my/index.php/MRJ/article/view/3494> 9 (2), 1-12.
- Corbin, J. M., & Strauss, A. (1990). Grounded theory research: Procedures, canons, and evaluative criteria. *Qualitative Sociology*, 13 (1), 3-21.
- Deasy, Richard J., Ed. (2002). Critical Links: Learning in the Arts and Student Academic and Social Development. *Arts Education Partnership*, Washington, 1-172.
- Document of the fundamental transformation of education. (2011). *Ministry of Education and Supreme Council of Cultural Revolution of the Islamic Republic of Iran*. Tehran. 64-2. (Text in Persian)
- Engin, G. (2018). The Opinions of The Multigrade Classroom Teachers on Multigrade Class Teaching Practices (Multiple Case Analysis: Netherlands-Turkey Example). *International Journal of Progressive Education*, 14(1), 177-200.
- Gasa, Abigail. (2016). *Exploring Instructional Leadership Practices Within The Context Of Multi-Grade Teaching: Experiences Of Principals And Teachers*. University Of Kwazulu-Natal, 1-116.
- Haingura, Steven. (2014). *An Investigation Of Multigrade Teaching At Three Primary Schools In The Kavango Region, Namibia*. Department of Education Policy Studies Faculty of Education at Stellenbosch University, 1-87. <http://hdl.handle.net/10019.1/95830>
- Hakimzadeh, R. (2008). Examining the philosophical foundations of the global education program and comparing it with the philosophical foundations of the education system of the Islamic Republic of Iran. *New educational ideas. Tehran*. 4(3), 104-79. [10.22034/IJCE.2022.294486.1331](https://doi.org/10.22034/IJCE.2022.294486.1331) (Text in Persian)
- Hasani, R., & Parvin, A. (2023). Teachers' Perspective on Art Education with Emphasis on Music in Elementary Schools in Marivan City. *The Journal of New Thoughts on Education*, 19(4), 287-304. doi: 10.22051/jontoe.2022.38142.3443. (Text in Persian)
- Hassanzadeh, S. (2021). Challenges and opportunities of integrated education in multigrade classes of primary school students. 1-17. <https://doi.org/10.31098/ijtaese.v3i1.510> (Text in Persian)
- Karimi, M., Ghafouri, K. (2017). The advantages and limitations of multigrade classes based on the lived experiences of multigrade classroom teachers. *Teacher's Professional Development Quarterly*. 2(3), 74-59. (Text in Persian)
- Khaze, F. Ahmadzadeh, Fahima. Abeditarab, Reza. (2021). Presenting new teaching strategies in multigrade classes. 1-12. (Text in Persian)
- Linda, K., Nkadimene, T., Solomon Modiba, N., & Wilfred Molotja, T. (2019). Examination of the influence of instructional leadership to multi-grade teaching in primary schools nations. *African Renaissance*, 16(2), 243-261. <https://hdl.handle.net/10520/EJC-1684750c22>
- Loyalty, Y., Mokhtabad, M., Lezgi, H. (1389). Educational values of children's theater. *Fine arts magazine - performing arts and music*. (40), 72-65. [20.1001.1.22286012.1390.2.40.6.5](https://doi.org/10.1001.1.22286012.1390.2.40.6.5) (Text in Persian)
- Mehrafrouzi, A., Mohammadi, I. (1400). *The effect of art education in elementary schools*. Iran's national conference of knowledge and technology of psychology, educational sciences and comprehensive studies. 1-13. (Text in Persian)
- Mohammad bagherlou, f., ghafarzadeh, r., Mohammad bagherlou, I. (2023). *Examining the problems and solutions to solve the problems of multilevel classes*. The first international conference of sociology, social sciences and education with the approach of looking to the future. <https://civilica.com/doc/1887170/> (Text in Persian)
- Moqdadi, M. (2015). Jurisprudential review of the right to art for children. *Art Theology Quarterly*. (7), 109-136. (Text in Persian)
- Mortazavizadeh, H. (1389). *Teaching guide in multigrade classes*. Tehran: Abid Publications. (Text in Persian)
- Mpahla, N., Makena, B. (2022). Teacher Education for single-grade teaching disqualifies multi-grade teaching for rural education. *International Journal of Teaching, Education and Learning*, 6(1), 192-201. <https://doi.org/10.20319/pijtel.2022.61.192201>
- Nabavi, S. (2012). The role of art in fostering creativity and improving the mental health of students. *Education growth magazine*. 8(4), 10-15. (Text in Persian)
- Naparan, G. B., & Alinsug, V. G. (2021). Classroom Strategies of Multigrade Teachers. *SSRN Electronic Journal*. 1-6. <https://doi.org/10.1016/j.ssaho.2021.100109>
- Naparan, G. B., & Castañeda, MaEd, I. L. P. (2021). Challenges and Coping Strategies of Multi-Grade Teachers. *International Journal of Theory and Application in Elementary and Secondary School Education*, 3(1), 25-34.

- Naseripalengard, H. (2017). *Teaching strategies in multigrade classes*. The third national conference of new approaches in education and research. Mazandaran 8-1. (Text in Persian)
- Nouri, Ali Farsi, S. (2015). Evaluating the art curriculum of elementary school by expert and critical educational method. *Education Quarterly*. (125), 116-78. <https://doi.org/10.1111/jade.12151> (Text in Persian)
- Ntombela, Siphon. (2021). *Managing Difficulties Associated With Multi-Grade Classes In Mpumalanga Primary Schools*. University Of Limpopo, 1-115. <http://hdl.handle.net/10386/3776>
- Rooiantan, Z., Jalalvandi, M., & Nateghi, F. (2022). Validation of Story and Storytelling with Emphasis on the Goals of Preschool Curriculum in Kermanshah Province: A Mixed Study. *The Journal of New Thoughts on Education*, 18(1), 47-68. doi: 10.22051/jontoe.2021.32910.3134. (Text in Persian)
- Shabani Shloh Sofli, H. (2021). The role of art in primary education. *Association for Development and Promotion of Basic Sciences and Techniques*. 1-11. <https://doi.org/10.46763/JESPT21162070a> (Text in Persian)
- Shah Nemati, Z., Saadatmand, Z., Keshtiarai, N. (2016). Analysis of art teaching methods in order to provide the ideal model in Iran's elementary school. *A scientific-research quarterly of a new approach in educational management*. 8(3), 79-100. [20.1001.1.20086369.1396.8.31.4.2](https://doi.org/10.1001.1.20086369.1396.8.31.4.2) (Text in Persian)
- Shahabzadeh, M. (2014). Using drawing arts of children and teenagers as a collaborative method in designing better environments. 25(1), 47-60. (Text in Persian)
- Velasco, R. A., Ramos, A. O., & Azarias, R. A. (2022). Badangam: An indigenized multi-grade teaching model. *International Journal of Research Studies in Education*, 11(2). DOI: 10.5861/ijrse.2022.102
- Yadalhi Dehcheshme, A., Liaqtdar, M., Referee, H. (2018). Identifying factors affecting the performance quality of teachers in multi-grade classes. *Scientific Journal of Education and Learning Research*. 16(2), 146-129. DOI: [10.22070/tlr.2021.3212](https://doi.org/10.22070/tlr.2021.3212) (Text in Persian)



This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons AttributionNoncommercial 4.0 International (CC BY-NC-ND 4.0) (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/>).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی